

من هرگز نبادولتهای غیرقانونی مذاکره نکردم و نمی کنم اینان عمال اجانبند که در زیر پوشش قانون اساسی خیانت خود را پنهان میکنند حضرت آیت الله العظمی خمینی

جبهه ملی ایران

استقلال و آزادی
جبهه ملی ایران است
شماره (۷۷) یکشنبه هشتم
پس ماه ۱۳۵۷

تکذیب دکترو سنجایی دبیرکل جبهه ملی ایران

روز جمعه ششم بهمن ماه، فرستنده "راد یوشی" بی. بی. سی. در برنامه شا مگاهی خود ضمن بخش بخشی از مصاحبه "دکترو سنجایی" دبیرکل هیات اجرائی جبهه ملی ایران از زبان "اطرافیان" ایشان "خواستار تعدیل نظرات حضرت آیت الله العظمی خمینی شد".

خبرنامه با اعلام این مطلب که دکترو سنجایی رهبر جبهه ملی ایران هرگز اطرفیانی بگونه بیان کننده نظرات ایشان نداشته وندارند، به نشر تکذیب مبادرت می ورزد.

مشخصه عمد هونما من پیروزی مبارزات تکنونی مردم ایران قاطعیت حضرت آیت الله خمینی و اینجانب و همکاران من هیچ نوع انتقادی به این قاطعیت نمی توانیم داشته باشیم آنچه که خلاف آن توسط هر منبعی گفته شد، یا شده تکذیب میشود.

زنا ایرانی در روند انقلابی

مخالفان هر جنبش انقلابی کوشش می کنند که در متن نهضت ها "نقاط ضعف" کما اهمیت پیدا کنند و بزرگتر از آنچه هست، مطرح سازند و آنها را بگونه "ضعف های اساسی" به نمایانند و با "نقاط ضعف" خیالی و موهومی در ذهن خود جعل کنند و به نهضت های مردمی منتسب نمایند.

این کوشش ها به شکل که صورت گیرد روشنی است جهت دست کردن پایه های "حقانیت اجتماعی" که البته انقلابیان نیز جهت در هم ریزی زناهای استبدادی و ارتجاعی از یکا بردن آن غفلت نمی کنند.

جنبش انقلابی ملت ایران که با آموزشهای اسلامی آمیختگی فراوان پیدا کرده است بعلت ناشناخته بودن عناصر بنیادی انقلاب و فرهنگ ملی و آموزشهای رهایی بخش در بیند را بران، دشمنان و معاندان آن را بران داشته است که با مطرح ساختن بیعت الهی های فرعی و اجتماعی گوناگون که از دیرباز در زبان جامعه ما بکار رفته و مربوط گردن آن بناحق به دین است مقدس اسلام، بخش عمده ای از افراد و استاد جامعه یعنی مادران و خواهران بدختران مبارز و بیکارگزاران... به بیعت در صفحه ۳

طرفداران قانون اساسی!!

در جنگ صفین هنگامی که شمشیر مجاهدین قلب لشکر معاویه را میشکافت و فتوروستی در ارکان قشون باطل مشا هده شد، به تدبیر عمرو عاص مکار خلیفه گرب عرب افراد ارتش معاویه برای رهایی از شمشیر خون چکان مالک اشتر و سایر سرداران امام علی (ع) برنیزه ها قرآن آویختند و آنها را به سازش و حکمیت قرآن دعوت کردند. امام فرمود گفتار حقسی است که از آن اراده باطل میشود.

آنروز رضفین ناسلمانان برای پیروزی معاویه وشکست علی به سنگر قرآن پناه بردند و مردم را گمراه میکردند، امروز نیز جمعی که خود عامل و مباشر نقض قانون اساسی و در خفقان و اختناق بیست و پنج ساله دیکتاتوری شاه نقش عمد و اساسی بازی کرده اند در قلببهارستان، همان نمکناهی که بارها و به کرات شاهد اعدام قانون اساسی توسط شاه مستبد ایران بوده است به سنگر قانون اساسی تکیه کرده اند.

تعداد معتنا پستی از این گروه، یعنی حد و حدود هشتاد درصد از آنان سرمایه داران و گروهیانان و افسران ارتش و ژاندارمری و شهربانی بودند که طبق دستورالسیاس شخصی پوشیده و ناگزیر در جهت اجرای او امرافوق و حسب اطاعت کورکورانه در این نمایشات مضحک و خنک شرکت داده شده اند و اگر حاضر نمی شدند، پسرورنده سیاسی و تمدد از دست می رفتیم و ایجاد درد سر می شد که ما را با آنها کاری نبودند، اما در صد باقیمانده را ما مور نجس ساواک و آدم کش های سازمان امنیت و افسران باج بگیردوران انقلاب سپید و تیساران بازنشسته بازرسی شاهنشاهی و اعضای انجمن شهروان ساجمن شهرستان و اطرفی ها و کارچاق کن ها و دلال های معاملات بنیاد پهلوی و نژد یگان شاهپورها و والا گیرها میباشند که از فساد بافتناهی عهد رستاخیز و انستقلا ب طوکانه چاق و بارور شده اند و می بینند که در رأینسده بسیار نژد یک به جرم معاونت... به قتل رسیده اند.

پیروز نبادولت

بقیه طرفداران . . .

و همدستی با رژیم خونخوار محاکمه یا لا اقل از این خوان
بیغما و چپاول بی نصیب خواهند ماند .

اینها همان ها هستند که از چند مسرر مختلف و متنوع
بصورت غیر مشروع مزد و حق و حساب می گرفتند ، از سازمان
امنیت تحت عنوان مأمور خبرگیری و تجسس مستمری داشتند
از اداره اوقاف بنام مأمور موقوفات عمومی در وزارتخانه
ها با اسم مدبر حفاظت ، در محاکم نظامی تحت عنوان
مستشار دادگاه ، در ریازرسی شاهنشاهی زیر القاب
بازرسی ، در کانون های حزب رستاخیز به اسم دبیر
کانون و در هر اداره و وزارتخانه و شرکت و موسسه ، دولتی
و خصوصی به تناسب مورد و موقع مثل مدبر کارخانه و بازرسی
و مشاور و راهنما و نقشه کش و طراح یاد و انجمن شبیر و
شهرستان عضو و کارگشا و کارفرما بودند و هر یک بقدر الحظه
و به معیار بی شخصیتی شروت ناشی از فساد و دزدی و رشوه
کرد آوری نمود هاند و اینکه متوجهند که این چشمه های
متعدد دزد و بیاد اش خشک شده اند رآتیه بسته خواهد شد
من از طرفداران و حماقداران حامی قانون اساسی پرسش
می کنم آیا همیشه و از گذشته پشتیبان جگرسوخته قانون
اساسی و متمم آن بود هاند یا به تازگی به حفظ و حراست
آن کمر بسته اند ؟ مضافاً فلسفه وجود و معنی و مفهوم
قانون اساسی چیست ؟

قانون اساسی به لحاظ فلسفه تاریخ یک نوع قرارداد
اجتماعی است که حسب اصول و ضوابط آن حقوق فردی
و اجتماعی افراد جامعه و تالیف نهاد های اجرایی و قانون
گذاری و قضائی با تصویر صورت و فرم و شکل آنها یعنی
حالتی از رو بنای اجتماعی و همچنین حدود و مداخله
و دخالت هر یک از تاسیسات مورد نظر مردم ماعم از قوه
اجرائیه و مقننه و قضائیه را به تفکیک معین و معیار تسد رت
و ارزش معنوی و اخلاقی و منحصربفادی آنها را نیز بر آورد کرده
است و هرگاه طرفداران قانون اساسی آن را بطور سرسری
خوانده باشند ملاحظه خواهند فرمود که در ربیع
جمادی الاخر سال ۱۳۲۴ هجری خرد و هفتاد و پنج
سال قبل ضمن ۵۱ اصل بتوشیح مظفرالدین شاه رسید
و متمم قانون مذکور یکسال بعد یا مضافاً محمد علی میرزا
رسید و از آن زمان تا کنون بنا به سیر تحولات سیاسی ایران
و باین علت که با استثنا سنواتی محدود حقوقی و حدود ملت
ایران هرگز از تجاوز و تجاوز توه احرائیه محفوظ نمانده
و شخص شاه اعم از محمد علی شاه یا رضاشاه و محمد رضا
شاه در حدود اقتدار و قدرت خود قانون اساسی را نقض
نموده و نصوص و اصول آن را مورد تجاوز و تحسین

قرار داد و حقوق ملت را مستورا و بطور مدام غصب نمود
لذا هرگاه یکی از طرفین قرارداد یا پیمان از حد و حقوق
خود تجاوز نماید و عهد نامه یا قرارداد را کلاً یا جزاً
نقض یا نسخ کند برای طرف دیگر اخلاقاً تبعیت یا اجرای
آن لازم رعایه نیست و با توجه به اینکه سلطه و سلطنت
و قوا محاکمیت شاهانه در تعارض به حقیق و حدود ملت
ایران مستتر بود و هیچوقت پادشاهان ایران به فرهنگ
سیاسی و اجتماعی و رشد ملی عقیده و اقرارند داشته و
اصولاً رشد و بلوغ ملی را تحمل بر ضعف سلطان و پادشاه
تصور میکردند لذا اجتناب ملت نیز به چنین قانونی
بی اعتماد و بی اعتقاد باشد گزاف نگفته است مضافاً
هرگاه به مفهوم اصل ۲۶ قانون اساسی حاکمیت را
ناشی از اراده ملت بدانیم و اساساً تأسیس نهاد
اجتماعی چه در قالب قسائی و مقننه و چه در ترکیب
اجرائی آن که شاه و مفهوم سلطنت است یکی از وجوهی یکی از
مفاهیم قدرت اجرایی است به منظور تأمین سعادت
و رفاه ملت و بسط آزادی و گسترش عدالت و حفظ سنن
و تعالیر ملی بود و بیا بد در جهت ممانعت از فساد و
تبااهی و جلوگیری از ظلم و ستم و فقر اخلاقی و فسق
فرهنگی سیر نماید و لکن کلام اینست که هدف از تشکیل
تمام این تشکیلات اعم از شور و اسنا و وزارتخانه و سلطنت
و غیره و تیره ، تأمین آزادی های فردی و اجتماعی آحاد
و افراد این ملت است و همه چیز و تمام وسائل و امکانات
امم از مادی و معنوی و ذخائر مخفی و آشکار باید در خدمت
مردم و در جهت رستگاری و فلاح و صلاح جامعه باشد
حال اگر یکی از این نهاد ها فی المثل سلطنت خود
را بر توار ملت پنداشت و از موازین و قواعد اجتماعی یا
از سایر نهاد ها عدواناً سلب حق نمود و مسیر اجتماعی
را بر پایه اصول کهنه و ارتجاعی سوق داد و فرهنگ اجتماعی
و سیاسی ایران را خفه نمود و از مردم سلب اراده و آزادی
نموده و ذخائر و منابع زرخیز را به استعمار و امپریالیزم
بخشید و بحای رفاه و آسایش جهانی از استبداد و
دیکتاتوری ایجاد نمود ، آیا باره مصلحت اجرا دارند
چنین قواعدی مقدس بد اند ؟ من نمیدانم جمعی
که امروز برای قانون اساسی بقیه دانی میکنند قبلاً
گنایبند ؟

۵۲ سال است که قانون اساسی ایران توسط سلاطین
و پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان تجاوز می گرد و امروز
جز بیکر روح و مثله شد از این قانون چیزی بجا نمانده
است . آن روزها که دستند شده خوان های مارا از
دانشگاه و مد رسه و کارخانه و وزارتخانه های بیسترون

نظم نسپرها و ایمان سسلاجی هاست

میکشید ند و به سلاح خاندان سازمان امنیت سپردند این آقا کجا بود ند ؟ آن زمان که مجالس غیرملی و وکسلائی تحمیلی ایجاد میکردند و در سراسر ویران خفقان حکومت مشروطه تعدیل و ذخائر و منابع ملی را به استعمار و امپریالیزم می بخشیدند ، حزب طرفدار قانون اساسی کجا بود ؟

ما فکر نمیکنیم خود این آقایان عمال و ایادی و همدستان استبداد شاه بودند و اگر بصورت صحیح فهرست بگیریم بجز گروه بانان و استواران و افسران که با جبار به این گروه کشتند شد اند بقیه همکاران و معاونین و مباشرین جنایات باشند که در مقابل نهضت ملت صفت بسته و قصد شان از اجرا قانون اساسی بازگشت شاه و احیاء بنیان دیکتاتوری و خونریزی و فساد سابق است . آری ، اینان افرادی هستند که چون ارتش معاویسه در صفین اراد باطل درگمزه حق دارند .

بقیه زن ایرانی . . .

نسبت به این جنبش انقلابی بد بین و نا امید گردانند . استبداد وابسته و ارتجاع همجا انتشار میدهد که بد نبال دگرگون شدن نظام کنونی و روی کار آمدن اشخاص با ایمان و معتقد به اسلام و روحانیت ، زنان در موقعیست نابهنجار قرون وسطائی قرار خواهند گرفت . "آزادی" های خود را از دست خواهند داد و دوباره بزنندگی و هشتناک گذشته باز خواهند گشت .

ملغان مفروض استبداد و اختناق و شیفتگان نا آگاه ارزشهای ضد ایرانی و انتشار دهندگان خط فرهنگ و وابستگیها سخنان هول انگیزی از این دست را بر زبانها می اندازند و بعزت و وحدت و وحدت تبلیغاتیشان (و نه بعزت "آزادی زنان" بلکه برای جلوگیری از تزلزل موقعیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی قریب الوقوعشان و نیز نا آشنا بودن برخی از مبارزان از عمق مساله مورد طرح و بیان ، مع التماس این شیوه ضد مردمی تا تئیسرانی د زنان جامعه باقی گذاشته است بطوریکه با همه روشن بینی ها و پیگیریها و حتی آثارهای نشان داد شده در سالهای سیاه دیکتاتوری ، باز هم در چهره برخی از افراد این گروه عظیم اجتماعی نشانه های از تردید و شک و عدم اطمینان قلبی دیده میشود .

در این گفتار کوشش بعمل آمده تا نقطه های سیاه ابهام بد و ملی و ناپاوری زنان نسبت به آینده در رخشان فردای ایران مستقل و آزاد ، به سپیدی های امید بخش و انسانی که در گروه مبارزات همه گروه های اجتماعی جامعه است

مبدل گردد .

زمینه تاریخی :

زندگی گذشته زنان ایران در رابطه با وظیفه های اجتماعی شکل یافته است . در جامعه ما به علت محیط اقلیمی و شرایط جغرافیائی و کانونهای قدرت درون جامعه ای و برخورد های آنها با یکدیگر و نیز با قدرت های بیرون جامعه آیه همگام در تغییر و تطور بوده است و نیروهای تعادل دهنده جامعه (مذهب و فرهنگ و ادب و هنر) بگونه پایگاههای ارزشی ، در خط دفاع از زنان قرار گرفته است این گروه جنسی جامعه با تمام نا امنی های اجتماعی و سیاسی و محرومیت های انسانی از مواهب زندگی (فردی و جمعی) - وظیفه های اساسی جامعه را در خانواده و تعلیم و تربیت و سواد آموزی و علم و ادب و عرفان و حتی سیاست برعهده داشته اما بگونه شیئی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و جز در موارد نادرتسلیم قدرت بود هاست . در کودکی تسلیم پدر یا برادر ارشد و بد نبال آن تسلیم شوهر و اگر قدرت برتر از شوهر پیدا میشد ناگزیر تسلیم وی میگشت .

زنان ایرانی چه پیش از اسلام و چه پس از اسلام به سرغم خواسته های انسانی خود و ره نمود های نهاد های ارزشی جامعه بویژه مذعب ، همگام در نوعی اسارت بسربرد هاست و این وضع تا بهندجار هنوز هم در برخی از تشریفات و طوایف ایرانی ادامه دارد و بر روی هم گوئی زنان را در فراگرد از خود بیگانگی قرار میدهد بطوریکه گذشت قرون و اعصار موقعیتی بوجود آورده که زنان متعلق باین بخش اجتماعی بشمار میرسد که از وضع خود راضی هستند و به گونه حیات انسانی خود آشنایی لازم را پیدا نکرده اند .

این امر البته مانع آن نبوده است که زنان در رابطه با استقلال ملی ایران بگونه " وطن اجتماعی " و ناموس و امر مقدس در نیایند و جنگ های ویرانی در دفاع از آنان و جلوگیری از تجاوزات به آنان برپا نشد باشد . بدین صورت زن مجموعه ای از نشانه جلوه کرده است ، گاه شیئی و از خود بیگانه و گاه ناموس جماعت و وطن اجتماعی با بزیان دیگر شیئی مقدس و با خرم منزلت و گاه در داخل " خانه " و یا " حرم " پاسداری از ارزشهای ملی و فرهنگ جامعه .

زنان ایرانی با این ویژگیهای تاریخی بدوران معاصر گام نهاد ه است . (ادامه دارد) .

درود به روزنامه نگاران زندانی ، پاسداران آزادی

همافران دلاورد در خطرند

۱۷۲ تن از همافران دلاورد پایگاه شاهرخي (حسرت) همدان پرازد ستگري به تهران انتقال یافته اند و جانشان در خطر است و به خانواده هایشان اخطار شده است که ظرف ۴۸ ساعت پایگاه را ترک کنند.

در قزوین

بقرار از اطلاع د بیروز و امروز اکثر نقاط حساس شهر توسط مأموران انتظامی بسته و تنها بخشی از شهر باز بود است.

در اصفهان

مردم اصفهان که در ادامه مبارزات خود را برای یک راه پیمائی دیگر آماده کرده بودند، خود را با تانک ها و نیروهای نظامی مواجه دیدند. تانک و نیروهای نظامی به شدت با تجمع و راه پیمائی زنان و مردان مبارز مقابله کردند.

در آبادان

در تظاهرات امروز آبادان در حدود ۶ هزار تن از مردم مبارز خرمشهر و آبادان شرکت داشتند. لیبی آخرین اطلاعات رسیده شش تن شهید و پانزده تن زخمی شده اند.

پلیس در رشت بیداد میکند

مأموران انتظامی رشت طی چند روز گذشته با اور مرتب وحشت آفرید هاند. تمار سار سید بن رئیس شهریانسی رشت و طباطبائی استاندار گیلان شخصا اقدامات مزدورانه و خشنونت آمیز را بعهده دارند.

برای ایجاد آرامش در شهر نمایندگان مردم با نظا میسان به گفتگو نشسته و قرار بر این شد است که چنانچه مأموران انتظامی از شهر خارج شوند تظاهرات نیز پایان یابد. در این شهر و تن به شهادت رسید هاند. احمد علی آفرینی دانشجوی سال سوم دانشگاه تبریز که پاسه گلوله از ناحیه حرو صورت شهید شده و علی عالمی که توسط پاسابانی بنا به صفتی شهید شده است.

مردم مبارز رشت طی تظاهرات روزهای گذشته عکس های دکتر محمد مصدق و حضرت آیت الله العظمی خمینی را بجای عکسهای شاه و خانواده اش نصب کرد هاند. از مردم مبارز رشت خواسته شد است که طی روزهای تظاهرات درهای تمام منازل را بازگدارند تا مبارزان بتوانند به هنگام در آن پناه گیرند و بدست مزدوران ددمنش گرفتار نشوند.

بازداشت روزنامه نگاران

سواحل حکومت نظامی تهران روز پنجشنبه عد های از روزنامه نگاران مبارز و آگاه را به بند کشید. فیروز گوران و مسعود مهاجر از روزنامه آیندگان، نعمت ناظری و مهدی بهشتی پور از روزنامه اطلاعات و جلیل خوشخو از کیهان جزو بازداشت شدگان هستند. ما آزادی هرچه زودتر این یاران مبارز را خواستاریم.

شهادت

بنابر آخرین اطلاع رسیده در تظاهرات روز هفتم بهمن ماه در رشت ۲۸ تن مجروح و وزن مجاهد به شهادت رسید هاند. خانم قدسی افتخاری که آهستن بوده و از ناحیه شکم مورد اصابت گلوله قرار گرفته و خانم فرحناز سعیدی که تیر به مغزش اصابت کرده است.

قطعنامه

در پایان راه پیمائی سیار با تکرار روز ۲۸ صفر برابر هفتم بهمن ماه ۱۳۵۷ که با شرکت میلیون ها تن از مردم تهران و شهرستان ها انجام شد، قطعنامه ای در هشت ماده توسط سخنگویان گروه های مختلف در چندین نقطه ترائت شد که در آن پس از تأکید بر مواد قطعنامه های روزهای تا سیع و آشورا و آریه بین و جمعه ۲۶ صفر رژیم باطل سلطنتی و تمام بقایای آن از جمله شورای سلطنت،

ملا بهشتی و مجلسین فروانی موجود و دولت غاصب کنونی از تار و پود است بران سرود و شناخته شد و تأکید شده است که ملت ایران دیگر بار تحت هیچ شرایطی زیر بار استبداد سیاه پهلوی نخواهد رفت. در قطعنامه آمده است که مردم ایران مشتاقانه در انتظار ورود مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی خمینی هستند و هیچ بهانه ای را در مورد جلوگیری از ورود ایشان نمی پذیرند.

در این قطعنامه جمله «و شبانه» در حقیقت رژیم به مردم تهران رسانند و شهرستانهای دیگر شدیدا محکوم شد و تأکید شده است که مبارزات پیگیر مردم ایران تا رسیدن به هدف های منشور ادامه خواهد داشت.

پاسد اران شب

سایه حمله چماقداران به بیمارستان هزارتخت خوابی پاسد اران شب را بر آن داشت که شبانه را به پاسداری از بیمارستان و اندازه شهیدان ببرد ازند. در پاسد اران شب و تمام پاسداری مبارزان قهرمان ایران.

افتخار به این سربازان و انقلابی انقلاب.